

آقرار در دادگاه مدنی

یکی از اصول مسلمه و اساسی دادرسی مدنی که هنوز در روم قدیم تحت مثل *Affirmanti incumbit probatio* مشهور بوده و از طرف مقتنین کلیه کشورهای متمدنه کنونی پذیرفته شده و قانون گزار کشور ایران نیز آنرا بشرح ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی و سادتین ۳۵۶ و ۳۵۷ آئین دادرسی مدنی پیش بینی نموده این است که **مدعی باید ادعای خود را ثابت نماید و مدعی علیه هم چنانچه در مقام دفاع بر آید باید اعتراضات خود را بشود برساند.**

حسن انجام امر فوق مستلزم آن است که هریک از مدعی و مدعی علیه بیانات و درخواست خویش را روی اساس محکم و درستی قرار دهند تا در اظهارات گفته شده ضد و نقیض و مبیانیتی نبوده باشد والا اخذ نتیجه مثبت غیر ممکن خواهد بود.

لیکن در بعضی موارد بواسطه اشتباهات و یا بمنظور عدم انحراف از حقیقت امر و یا اهمیت ندادن باظهارات خود ممکن است از طرف اصحاب دعوا بیاناتی شود که نه فقط درخواست متقاضی را تحکیم ننماید بلکه چون کاملاً مضر بحال او بوده باعث ایجاد مشکلات سنگینی گردد که در نتیجه چنین اظهار بی موردی اساس تقاضای وی متزلزل شود. مثلاً زنی بطرفیت شوهرش دادخواستی تقدیم و در آن بجای آنکه نفقه تیرماه را مورد مطالبه قرار دهد نفقه ماه آبان را که اصلاً بر اثر قطع روابط بین زوجین خارج از مدت زناشویی بوده خواستار گردیده و البته این اشتباه در تشخیص ماه اساس ادعای مدعیه را متزلزل میسازد.

این قبیل اشتباهات ممکن است از طرف مدعی علیه نیز موقع دفاع از دعوی مدعی رخ دهد مثلاً خوانده نسبت بدعوی خواهان ابراد مرور زمان نموده و در عین حال خود او اشاره بمطالبی کرده که انقطاع مرور زمان را مدلل میدارد. بطوریکه ملاحظه میشود در این گونه موارد ادعای مدعی و دفاع مدعی علیه مبنای کافی نداشته و غیر مستدل بوده و مادامیکه این اشتباهات و نواقص از میان برداشته نشود و ترمیم نگردد دعوی مدعی و همچنین اعتراض مدعی علیه نتیجه رضایت بخش نخواهد داشت و بالاخره منتهی برد خواهد گردید.

مسلم و غیر قابل تردید است که منظور از مقررات قانون بالاخص از آئین دادرسی مدنی حفظ حقوق اشخاص و کشف حقیقت امر میباشد و بدینجهت اصلی در قانون وجود ندارد باینکه کسی که در حین دادرسی متوجه اشتباه خود شود نتواند آنرا مرتفع و اصلاح نماید و چنانچه قانون از این حق اساسی متداعیین سمانعت میکرد آنگاه خواه ناخواه نتیجه غلطی گرفته میشد که منظور از مقررات حفظ حقوق اشخاص نبوده بلکه مجازات اشخاصی است که در اظهارات ضد و نقیض خویش غافلگیر شده اند.

اقرار در دادگاه مدنی

بنابراین از لحاظ اصول کلی (با قطع نظر از وجود مقررات و عقاید مختلف در این باب) اصحاب دعوی مجاز خواهند بود در جریان رسیدگی از اظهارات مضرب خویش انصراف حاصل و آنها را اصلاح و تبدیل باظهاراتی نمایند که مقرون بمنظور اصلی آنان بوده باشد - مثل اینکه خوانده در قبال سفته برگ مدرکیه خواهان پدو اظهار میدارد که برگ مزبور خالی از وجه بوده و بطور دوستانه بخواهان داده شده و سپس از این اظهار منصرف و مدعی پرداخت وجه سفته گردیده و باوجود اظهارات متناقص و متباین وی دادگاه تقاضای جدید را پذیرفته و جهت کشف حقیقت امر ناگزیر خواهد بود بدلائل پرداخت وجه رسیدگی نماید .

عبارت اخری در مورد غیرمکفی بودن اساس درخواست اصحاب دعوی میتواند جهت تأمین مقصود خود از اظهارات مضرب منصرف و بدلائل دیگری متمسک شوند و حال آنکه در مورد اقرار این عمل که دال بر عدول از اقرار است خالی از اشکال نخواهد بود .

بجهت مزبور با اینکه اساس هر یک از موارد فوق الذکر (درخواست غیر مستدل و اقرار) اظهار مضرب و غیر مطلوب اخذ از طرفین دعوی قرار میگیرد مع الوصف مطالب مزبور مفهوم مترادفی نبوده و بلکه متمایز از یکدیگر میباشند زیرا در مورد اول تغییر و حتی از بین بردن اظهار مضرب بوسیله اقامه دلایل دیگر میسر و بلا اشکال خواهد بود ولی در مورد دوم انصراف مقر از اقرار و استناد او بدلائل دیگر برای زائل نمودن آن بطور کلی ممکن نخواهد بود و چون اقرار قاطع دعوی است اصلاً احتیاجی در بین نخواهد بود که حتی از مقرله هم دلیلی برای اثبات حق او مطالبه شود .

اقرار در دادگاه مدنی دو اثر دارد :

نخست آنکه چون اقرار سایر دلایل را بر طرف میسازد دست دادگاه را هم کوتاه مینماید و ماده ۳۶۵ آئین دادرسی مدنی که در این باب چنین میگوید « هر گاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل حقیقت طرف است خواستن دلیل دیگر برای اثبات آن حق لازم نیست » بخوبی میرساند که باوجود اقرار دادگاه نمیتواند دلیل دیگری را از مقرله بخواهد .

دوم آنکه مقر نمیتواند در مقام تکذیب اقرار برآید و بطور کلی عدول از اقرار امکان پذیر نمیشد مگر در موارد معدودی که اینک در ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی بشرح زیر پیش بینی شده « انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقر ادعا کند که اقرار او فاسد و یا مبنی بر اشتباه و غلط بوده شنیده میشود و همچنین است در صورتیکه برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار بگرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعوی مذکور مادامیکه اثبات نشده مضرب باقرار نیست » .

با توجه به مفاد ماده فوق و مراتب گفته شده واضح و روشن است که برای عدول مقر از اقرار و معیوب ساختن آن شرایط دشوار و سنگینی موجود است و حال آنکه

اقرار در دادگاه مدنی

در مورد غیر مستدل بودن درخواست انصراف اظهارکننده از اظهار بیمورد خود چنین مشکلاتی نخواهد داشت .

برای توجیه اینکه چرا در بعضی موارد انصراف متداعین از اظهارات خود جایز و در بعضی دیگر غیر جایز است باید در نظر گرفت که بنحوی که بر اثر هر رابطه حقوقی بین طرفین تکالیفی ایجاد میشود بهمین ترتیب نیز طرح دعوی در دادگاه مستلزم ایجاد تکالیفی است برای طرفین و یکی از وظایف متداعین در دادرسی این است که هر یک از آنها مکلفند مطالبی را به ثبوت برسانند که در ردیف وظائف او قرار گرفته است - مثلاً در مورد دعوی ناشی از عقد اجاره نمیتوان اثبات یا دلیل پرداخت مال الاجاره را از موجد خواست و یا بالعکس دلیل مدت استفاده از عین مستاجر را از مستاجر مطالبه نمود بیان دیگر سنگینی اثبات یا بار اثبات (Onus Probandi) پرداخت مال الاجاره برعهده مستاجر است و اما سنگینی اثبات مدت استفاده از عین مستاجر برعهده موجد خواهد بود .

از طرفی هم برای تشخیص معنی اصلی اقرار باید دانست که مورد اقرار را مادامی که بوقوع نیپوسته حتماً باید طرف مقابل ثابت نماید و از این لحاظ سنگینی اثبات مورد اقرار همیشه بر دوش طرف مقابل میباشد چه اقرار حقایق طرف را مدلل میدارد و اثبات این قبیل امور از نظر طرز تقسیم دلائل بین اصحاب دعوی بطوری که در بالا نیز مذکور افتاد بهیچ وجه به کسی که بر ضرر و خارج از وظائف او بوده محول نمیگردد .

لیکن در مورد اقرار برخلاف قاعده کلی مزبور مقر سنگینی اثبات مورد اقرار را خود متحمل میشود که در نتیجه این عمل طرف مقابل (مقرله) از اثبات دعوی خود بی نیاز و از ابراز دلائل دیگر معاف میشود و چنانچه باین دل مهم اقرار در دادرسی که مقر سنگینی اثبات را از دوش طرف مقابل بر میدارد توجهی نشود مفهوم صحیح اقرار از نظر دور خواهد گشت و هر اظهار مضر و بیمورد طرفین اقرار تلقی خواهد گردید بطوریکه این اشتباهکاری غالباً ملاحظه میشود .

از آنچه گفته شد چنین نتیجه گرفته میشود اقرار حاکی از تصدیق صحت امری است که اثبات آن برعهده طرف مقابل میباشد و بنابراین وقتی مصداق پیدا خواهد کرد که سنگینی اثبات مورد اقرار را مقر متحمل شود و در غیر اینصورت که اصلاً امر مورد بحث از زمره سنگینی اثبات طرف مقابل نبوده تحقق اقرار غیرمیسر خواهد بود هر چند هم اظهار گوینده بر ضرر خود و بر نفع دیگری بوده باشد .

مثلاً شخصی مستند دادخواست خود نوشته ای را قرار داده که تاریخ صدور آن حاکی از روز و ماه و ولی بدون قید سال بوده و مشارالیه برای رفع نقص مدرک خود بدادگاه تذکر داده که سند مزبور در یازده سال قبل تنظیم یافته است خواننده از این اظهار خواهان استفاده و ایراد مرور زمان نسبت بدعوی اقامه شده نموده در این مورد نمیتوان گفت که مدعی اقرار بر حقایق طرف نموده زیرا تعیین تاریخ سند برابر ازکننده آن است و از وظائف مدعی علیه خارج بوده و بنا بر این او میتواند از اظهار اولیه خود صرف نظر نماید و با ابراز دلائل دیگر خلاف آن را ثابت کند .

اقرار در دادگاه مدنی

اما در مورد اقرار جریان امر غیر از این است. فرض کنیم برابر شق اول ماده ۲۹۲ قانون مدنی بین طرفین تبدیل تعهد بعمل آمده و با وصف مزبور متعهد له در دادخواستی که بطرفیت متعهد تقدیم داشته انجام مدلول تعهد سابق را خواستار گردیده و ضمناً اشاره کرده که تعهد مورد استناد وی تبدیل به تعهد جدیدی شده است بطوریکه از قسمت اولیه دادخواست مزبور ملاحظه میشود دعوی مدعی بر حسب ظاهر روی پایه درستی قرار گرفته لیکن در قسمت دیگر اظهاری شده که مورد دفاع مدعی علیه است و اثبات آن نیز از وظائف او بوده است بدیهی است جمله اخیر دادخواست مزبور که اقرار بمعنی اصلی بشمار میرود کاملاً اساس دعوا را بر طرف ساخته و خود او بجای مدعی علیه بطلان تعهد مورد استفاده خویش را اعلام و تصدیق نموده است.

قانون مدنی بشرح ماده ۱۴۵۹ اقرار را چنین تعریف نموده: « **اقرار عبارت از اخباری است برای غیر و بر ضرر خود** ». با دقت نظر در تعریف مزبور مفهوم اقرار که در ماده ۳۶۵ آئین دادرسی مدنی تصریح شده معلوم خواهد گردید که هر دو ماده فوق الذکر اقرار را از لحاظ مادی مضر تشخیص میدهند و حال آنکه بنا بر مراتب گفته شده مضر بودن اقرار از لحاظ محاکماتی و تقسیم دلایل است باین معنی که مقر در دادرسی سنگینی اثبات مورد اقرار را از دوش طرف بر میدارد و خود متحمل آن میشود و از اینجهت تعریف اقرار که در ماده ۱۴۵۹ قانون مدنی بیان شده فاقد ارکان اساسی اقرار بوده و برای تکمیل آن مقتضی است که بماده مزبور جمله زیر اضافه شود « که سنگینی اثبات آن بر عهده طرف مقابل میباشد. » و نتیجه تعریف جامع اقرار بشرح زیر خواهد بود: « **اقرار عبارت از اخباریست برای غیر و بر ضرر خود که سنگینی اثبات آن بر عهده طرف مقابل میباشد** ».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

